ژاله عزیز سلام

نامه محبت آمیز شما رسید و کلی در این روزگار [illegible] مرا خوشحال
کرد. از اینکه پاسخ‌تان را دیر میفرستم مرا ببخشید چون مسافرت
بودم. فردای روزی که نامه شما بدستم رسید به منزل هوشنگ رفتم و
نامه را مجدداً باهم خواندیم او هم خدمت شما خیلی سلام رساند
و شماره تلفن جدید ایشان را که ۳۸۵۶۷۸ میباشد برایتان
نوشتم که بتوانید حال از ایشان بپرسید. ایشان هم منتظر
اجازه هستند که به آلمان بروند و همسر و بچه‌های خود را ببینند
ولی هنوز اجازه‌ای به ایشان داده نشده است. حالشان خوب است
و کتابشان هم هنوز منتشر نشده است. م. بشیری خدمت شما
سلام میرسانند و کتاب ایشان فعلاً بابت چاپ جلد دوم
آن هم معلوم نیست کی امکان پذیر خواهد بود. کتابهائی را به
پسرعموی شما داده‌ام اگر هزار قلم، ساختار اجتماعی، و تیمور اثر پناهی
سمنانی بود که امید دارم تا کنون بدستتان رسیده باشد. با پناهی
و دیگر شعرا همه خوبند و سلام میرسانند.
دیروز ۲۴ مرداد ماه مصادف با پنجمین سال درگذشت خلیل سامانی
موج. شاعر و دوست عزیز ما بود. در خانه او مراسمی ترتیب یافته
بود با حضور آقایان ابوالحسن ورزی، ابوتراب جلی، پناهی و سایر شعرا.
اشعاری که در رثای او ساخته بودند قرائت شد و جای شما خالی بود
پروین هنوز در آمریکا پیش سیما که است و برای من هم نامه‌ای
نداده است. دستتان را میفشارم و برایتان سعادت و سلامتی آرزو میکنم

معذرت میخواهم حالا از تا بدیع خبر رسیدم. امیدوارم
حالتان خوب باشد و بتوانیم باز هم دور هم بنشینیم
روشنک حالش خوب است دارا و بچه‌ها هم

بامید دیدار ژیلا

۴۲/۵/۲۵